

## بررسی انگیزه‌های عدم بازگشت مهاجران

این مقاله نیز با هدف شناخت ویژگی‌ها و ابعاد مهاجرت خانواده‌های افغان به ایران، به بررسی عوامل مؤثر بر موانع بازگشت آنان به موطنشان می‌پردازد.

### عوامل جاذبه ایران

- ۱- وجود امنیت مالی و شغلی برای مهاجران افغان در ایران
- ۲- اشتراکات دینی و مذهبی با مردم ایران
- ۳- اشتراک فرهنگی و زبانی با مردم ایران
- ۴- وجود انقلاب اسلامی در ایران و حمایت ایران از مردم افغانستان
- عوامل دافعه افغانستان
- ۱- وجود جنگ و ناآرامی‌ها سیاسی دائمی در افغانستان
- ۲- نبود امنیت اقتصادی و مالی به علت جنگ و تحولات سیاسی
- ۳- نبود امنیت برای شیعیان
- ۴- حاکمیت یک قوم خاصی بر کل اقوام پاکستان

### رضایت از مهاجرت به ایران

۳۶ درصد پاسخ دهنده‌ها از مهاجرت خود به کشور ایران به میزان زیاد و خیلی زیاد رضای بودند، ۴۶ درصد آن‌ها میزان رضایت خود را در حد متوسط و ۱۸ درصد بقیه نیز میزان رضایت خود را در حد کم اعلام کرده‌اند، البته ۱۱ درصد کل پاسخگویان نیز به سوال مربوطه پاسخ نداده‌اند.

۴۰ درصد پاسخگویان نحوه برخورد مردم ایران با مهاجران را صمیمی و شایسته می‌دانستند و ۷ درصد نیز برخورد مردم ایران را تند و قهرآمیز خوانده‌اند. ۱۷ درصد اظهار کرده‌اند که برخورد ایرانی‌ها با آن‌ها همچون مهمانان ناخوانده بوده‌است، ۱۴ درصد گفته‌اند، ایرانی‌ها نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بوده‌اند و ۲۱ درصد اظهار کرده‌اند که برخورد ایرانی‌ها با آن‌ها بر حسب شرایط، متفاوت بوده است.

در مورد نحوه برخورد مسئولین ایرانی با مهاجران نیز ۵۱ درصد پاسخگویان نحوه برخورد را عادلانه ندانسته‌اند، ۲۶ درصد

برخورد مسئولین ایرانی را با مهاجران شایسته دانسته‌اند. ۱۰ درصد گفتند مسئولین ایرانی با آن‌ها همچون پناهندگان دیگر کشورها برخورد کرده‌اند. ۷۳ درصد پاسخگویان معتقدند در ایران احساس امنیت مالی و اقتصادی دارند و ۲۷ درصد بقیه خود را فاقد چنین احساسی می‌دانستند. ۴۴ درصد پاسخگویان اظهار می‌کنند که وضعیت مالی و اقتصادی آن‌ها در ایران در مقایسه با قبل از مهاجرت بدتر شده‌است. ۳۵ درصد معتقدند وضعیت مالی و اقتصادی آن‌ها در مقایسه با قبل تغییری نکرده و تنها ۱۴ درصد اظهار می‌کنند که وضعیت مالی و اقتصادی آن‌ها نسبت به قبل بهتر شده‌است.

### بازگشت مهاجران از نگاه خودشان

در مورد عقیده مهاجران در بازگشت به موطن خود، ۵۶ درصد پاسخگویان معتقدند که مهاجران افغانستانی باید به موطن خود بازگردند، در مقابل ۴۴ درصد با بازگشت مهاجران به موطن خود در شرایط فعلی مخالف‌اند، ۴۳ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که شخصا حاضر به بازگشت به موطن خود هستند. در مقابل ۵۷ درصد تمایلی به بازگشت به موطن خود در شرایط فعلی ندارند. همچنین ۸۴ درصد کسانی که تمایل به بازگشت به موطن خود دارند، در مورد علت تمایل خود به بازگشت بیشتر به موضوع احساس تعلق به وطن اشاره کرده‌اند و کسانی که تمایل به بازگشت ندارند، در مورد علت عدم تمایل خود به بازگشت بیشتر روی موضوعاتی چون عدم امکانات و موقعیت زندگی در افغانستان (درصد ۲۴)، وجود مشکلات سیاسی با دستگاه حاکمه (۱۷ درصد)، وجود محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌های مذهبی در افغانستان برای شیعیان (۱۷ درصد)، ادامه تحصیل در ایران (۱۴ درصد)، خوگر فتن با محیط ایران (۱۲ درصد) تاکید کرده‌اند.

### کسانی مایل به بازگشت نیستند

در ادامه تمایل به بازگشت با برخی شاخص‌ها مقایسه شده است.

۱- تمایل به بازگشت و محل سکونت افراد قبل از مهاجرت؛ در واقع مشکل روستائیان افغان در مبدأ (افغانستان) به مراتب بیشتر از شهرنشینان است و این امر باعث شده که آن‌ها

تمایل کمتری به بازگشت از خودشان بدهند. ۲- تمایل به بازگشت و جنس افراد؛ مشکلات و دل‌نگرانی‌های زنان افغان بیشتر از مردان است، آن‌ها هراس بیشتری دارند که اگر به وطن خودشان بازگردند، روزگارشان چگونه خواهد شد.

۳- تمایل به بازگشت و سطح تحصیلات افراد؛ با کاهش سطح سواد تمایل به بازگشت کمتر می‌شود.

۴- تمایل به بازگشت و احساس امنیت مالی و شغلی؛ افرادی که در ایران احساس امنیت مالی و شغلی دارند به احتمال زیاد، تمایلی به بازگشت ندارند.

۵- تمایل به بازگشت و وجود جنگ در افغانستان

با توجه به این که شیعیان و افراد قوم هزاره در حین تکمیل پرسش‌نامه نگرانی شدید خود را از دشمنی برخی اقوام دیگر افغانستان با خود ابراز می‌کردند با اطمینان زیادی می‌توان گفت که در کنار سه دسته فوق (زنان، روستائین و کم‌سوادان) باید شیعیان و قوم هزاره را نیز افزود که تمایل کمتری به بازگشت دارند.

کلام پایانی

### به عنوان جمع بندی نتایج این پژوهش می‌توان به نکات زیر اشاره کرد؛

- ۱- قرابت و حتی یکسانی فرهنگی، مذهبی و زبانی بین دو جامعه ایرانی و افغان نه تنها برای جامعه میزبان بلکه برای مهاجران نیز ناآشنا است که تأثیر فراوانی بر نحوه تعامل این دو جامعه دارد.
- ۲- با توجه به این قرابت و اشتراکات بین دو جامعه میزبان و مهاجر، اما جامعه مهاجر مورد پذیرش میزبان قرار نگرفته‌است و با جدا شدن از جامعه ایرانی، به سمت یک شبکه اجتماعی داخلی رفته‌اند که خود باعث تشدید تعارضات و تفاوت‌ها خواهد شد.
- ۳- مسئولین بایستی نسبت به موضوع مهاجران یک نگاه اجتماعی داشته باشند تمام تلاش مسئولین ایرانی باید در جهت اعاده صلح و آرامش در افغانستان باشد، چون فقط در این صورت است که مانع اصلی بر سر راه مهاجران افغان برای بازگشت برداشته می‌شود.

حکایت از سابقه آشنایی طولانی مدت بین فرد و اعضای این شبکه دارد. زیادترین میزان صمیمیت عنوان شده مربوط به شبکه خویشاوندی در حدود ۴۵ درصد بوده در حالی که تنها ۱۵ درصد صمیمیت خود را با همسایگان‌شان در حد زیادی عنوان نموده‌اند. هر دو متغیر حمایت عاطفی و مالی نیز بیانگر نقش و اهمیت فراوان شبکه خویشاوندی برای پاسخگویان است به طوری که ۴۰ درصد از نمونه‌ها در حمایت عاطفی و مالی را از سوی خویشاوندان در حد زیادی دانسته، در حالی که تنها ۱۰ درصد این حمایت را از سوی همسایگان زیاد دانسته‌اند.

اعضای شبکه خویشاوندی مهاجران دارای پایگاه اجتماعی، اقتصادی پایین و تنها ۵ درصد دارای پایگاه بالا بوده‌اند. در این میان شبکه همسایگی تنها شبکه‌ای است که بیشترین نسبت پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا را به خود اختصاص داده‌است. این در حالی است که بیشترین نسبت اعضا با ملیت ایرانی، نیز در بین شبکه همسایگی قرار دارند و ۱۰۰ درصد اعضای شبکه خویشاوندی مهاجران دارای ملیت افغان بوده‌اند. متغیر مدت آشنایی با شبکه کل نیز که در زمره ویژگی‌های رابطه‌ای جای می‌گیرد، بین ۵ تا ۱۰ سال در حدود ۳۰ درصد و ۱۰ سال به بالا میزان ۳۵ درصد

۸/۹ درصد کارگر ساده کارخانه، ۵/۵ درصد بنا، ۴/۸ درصد نیز دست فروش بوده‌اند. به طور متوسط درآمد ماهیانه خانوار ۱۸۵ هزار تومان و افراد تحت تکفل هر سرپرست نیز به طور میانگین ۵ نفر به دست آمده‌است. ۸۵ درصد از خانوارهای این منطقه زیر خط فقر نسبی، ۷/۳ درصد در مرز فقر نسبی و ۷/۳ دیگر بالای خط فقر نسبی قرار دارند.

### نتیجه‌گیری

به لحاظ خصوصیت ساختاری، بیشترین سهم از شبکه کل را خویشاوندان با ۳۳ درصد و کمترین نسبت را همکاران شغلی با ۱۴ درصد به خود اختصاص داده‌اند، با این وجود ۶۵ درصد از